دوفصلنامه دانش‌پژوهی «تأمل»
سال ششم/ شماره یازدهم/ بهار و تابستان ۱۴۰۰
۲۴-۵

بررسی اختلاف قرائات پنج نسخه خطی قرآن کریم از قرن ششم هجری درکتابخانه آستان قدس رضوی(۱)

سید میرزا ولی یو [۱]

چکیده

بر اساس ادله عقلی ونقلی که از مبانی و اقوال علمای اسلامی مطرح شده، قرآن به قرائت واحد، نازل شده است؛ و بهترین و معقول‌ترین راه برای شناخت قرائت واحد که باید متصف به تواتر نیز باشد؛ تحقیق میدانی و بررسی قرائت مضبوط در مصاحف قرون گذشته است تا قرائت متواتری که از پیامبراسلامﷺ به ما رسیده شناخته شود. این مقاله، براساس روش کتابخانه‌ای و بررسی نسخه‌ها، در صدد کشف آن است که اکثریت مصاحف خطی قرن‌های گذشته با کدام قرائت بیشترین انطباق را دارد. از جمله نتایج بدست آمده از بررسی پنج نسخه خطی قرآن؛ متعلق به قرن ششم از نسخه‌های موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی، عبارتند از این‌که؛ ۱۰۰ کلمه اختلافی از مجموع ۵۰۰ کلمه، به ترتیب کمترین مخالفت، ۵۰مورد با قرائت عاصم به روایت حفص، ۱۳۱ مورد با قرائت ابو عمرو، ۱۳۳ مورد با قرائت ابن‌عامر، ۱۳۵ مورد با قرائت ابو جعفر، ۱۴۶ مورد با قرائت خلف، ۱۴۸ مورد با قرائت حمزه، ۱۴۸مورد با قرائت نافع، ۱۶۱ مورد با قرائت کسایی، ۱۶۲ مورد با قرائت یعقوب و ۱۶۶ مورد مخالفت با قرائت ابن کثیر یافت شد. بنابراین، بیشترین انطباق با قرائت عاصم به روایت حفص، و کمترین انطباق با قرائت ابن کثیر ثبت شده است.

کلید واژه‌ها: اختلاف قرائت، نسخه خطی، قاری ده‌گانه، تطبیق قرائت.

---

۱. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن جامعة المصطفیﷺ العالمیة نمایندگی خراسان

مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم در موضوع قرائت، این است که آیا همهٔ قرائت‌های گوناگونِ قرآن کریم که از قرّاءِ مشهور روایت شده، معتبر و حجت است یا تنها یک قرائت حجت است؟ آیا قرآن کریم با یک قرائت بر پیامبرﷺ نازل گردیده یا آنکه به وجوه لفظی مختلفی نازل شده است؟ اگر قرآن کریم با یک قرائت نازل شده باشد، طبعاً همان یک قرائت، قرآن به شمار می‌رود و سایر قرائت‌ها قرآن نخواهد بود. پرسشِ بعدی، این است که اگر ثابت شود، قرآن کریم قرائت واحدی دارد، باید مشخص شود که آن قرائت کدام قرائت است؟ و راه شناخت آن از بین قرائت‌های گوناگون چیست؟

یکی از راه‌های شناخت قرائت متواتر و معتبر، بررسی قرائت مصاحف نسخه‌های خطی قرون گذشته می‌باشد؛ زیرا قرائتی که در اکثریت مصاحف در قرن‌های گذشته ثبت شده، قرائتی است که مسلمانان در بستر جماهیری از نسل های گذشته گرفته‌اند و مبدأ آن قرائت رسول خداﷺ است. اما دیگر قرائات، حجیت و اعتبار آن ثابت نیست؛ بویژه که امام صادقؑ مارا به قرائت عموم مردم ارجاع داده و فرمودند: اقرأوا کما یقرأ الناس.[1] (فیض کاشانی؛ وافی: ج ۵، باب اختلاف القرآءات، ص ۲۷۳) لذا برای روشن ساختن قرائت رائج در اکثر مصاحف و در اکثر زمان‌های گذشته و بلاد مختلف لازم است قرائات مضبوط در نسخ خطی مصاحف گذشته بررسی شود. برای تحقق این هدف نسخه‌های خطی قرن ششم موجود در آستان قدس رضوی بررسی و مشخص شد که این مصاحف با کدام قرائت، بیشترین انطباق را دارد. اگر اکثر مصاحف در قرائت واحدی اشتراک داشتند این مطلب گویای آن

---

۱. در بخش نظری بیان شد که واژهٔ «قرائت» در عصر صحابه به معنای قرائتِ نص قرآن همراه با تفسیرِ مختصر آن به کار می‌رفت؛ چنانکه از ابن مسعود روایت شده: «عن زرّ عن عبد الله قال: کنا نقرأ علی عهد رسول اللهﷺ: یا أیها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک (أن علیا مولی المؤمنین) وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس عبارت «أن علیا مولی المؤمنین» تفسیر است و جزءِ آیه، نمی باشد.

است که قرائت متواتر قرآن همین قرائت است زیرا ائمه علیهم‌السلام فرموده اند: اقروا کما یقرءالناس. (فیض کاشانی، وافی: ج ۵، باب اختلاف القرآءات، ص ۲۷۳)

تبیین و ضرورت موضوع

اختلاف قرائت در مواردی موجب اختلاف حکم می‌شود و یقینا بر اساس ادله عقلی و نقلی مثل القُرآنَ واحدٌ نَزَلَ مِن عِندِ واحدٍ. (فیض کاشانی، وافی: ج ۵، باب اختلاف القرآءات، ص ۲۷۳). قرآن به قرائت واحد نازل شده. ولازم است ما آن قرائت واحد را بشناسیم و راهش این است که قرائت متواتر را بشناسیم چون اگر قرائت واحد را نشناسیم به انحراف کشیده می شویم؛ زیرا از بعضی از قرائت ها حکمی استفاده میشود که از قرائت دیگر استفاده نمی شود؛ و یقینا حکم خداوند در این موارد یکی بیشتر نیست؛ لذا بر ما لازم است قرائت متواتر را شناسایی کنیم؛ و راه شناسایی آن، بررسی قرائت مضبوط در مصاحف قرون گذشته است.

به نظر می‌رسد اکثر مصاحف خطی گذشته در قرائت واحدی که همان قرائت متواتری است که از پیامبر رسیده اشتراک دارند و به نظر می رسد این قرائت بیشترین انطباق را با قرائت عاصم دارد. زیرا عاصم اهل اجتهاد در قرائت نبوده و بر اساس قرائت متواتر بین مسلمین که از استادش ابو عبد الرحمن سلمی و او از علی‌علیه‌السلام و او از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرا گرفته بود قرائت می کرد (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبی‌طالب علیهم‌السلام، ج۲، ص۴۳).

تعریف لغوی قرائت

قرائت که جمع آن قراءات می‌باشد، از مصدر «قرأ» است. «قرأ» دلالت بر جمع و اجتماع دارد. آنچه علمای لغت معانی آن ذکر کرده‌اند؛ قرائت را به جمع کردن و گرد آوردن، معنی کرده و به قرأت الماء فی الحوض به معنی «جمعته»، استشهاد نموده است (فیض کاشانی، وافی: ج ۵، باب اختلاف القرآءات، ص ۲۷۳).

قطرب نحوی می‌گوید: «قرائت به معنی انداختن و رمی، اسقاط و القاء است» (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبی‌طالب علیهم‌السلام، ج۲، ص۴۳).

گروهی از دانشمندان لغت «قرائت، قرأ» را نسبت به تمام آن معانی، واژه‌ای

اصیل در عربی می‌دانند؛ ولی آن طور که محققان می‌گویند، قرائت به معنی تلاوت و خواندن دارای ریشه اصیل و عربی نیست؛ بلکه عرب- در آغاز امر- این واژه را به معنی تلاوت نمی‌دانست. از زبان آرامی یا عبری گرفته شده و دست به دست گشته است تا به معنی تلاوت در زبان عربی معمول گشت. (ابواسحاق زجاج: إعراب القرآن ج. ۱، ص.۹۶). به نظر می‌رسدکه واژه «قرائت» در مواضع گوناگون، معانی مختلف و کاربردهای گوناگونی داشته باشد؛ لذا صرف نظر از اصیل یا غیر اصیل بودن آن در زبان و ادبیات عرب، آن‌چه در حوزه‌ی قرآن کریم و وقوعِ آن در آیات کلام الله مجید مدّنظر است، این است که «قرائت» از لحاظ لغوی به معنای خواندن و تلاوت نمودن حروف الفاظ، کلمات جمله ها و آیات سوره های قرآن کریم است.

تعریف اصطلاحی قرائت.

«قرائت‌ها عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که اختلاف در رابطه با حروف و کلمات قرآن و کیفیت از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آن‌ها از سوی قرّاء است. (بدرالدین زرکشی: ۱۴۰۵ق. ج۱، ص۳۱۸)

واژۀ قرائت در عهد صحابه

واژۀ «قرائت» در عصر صحابه به معنای قرائتِ نص قرآن همراه با تفسیرِ مختصر آن به کار می‌رفت؛ زیرا مصاحفِ صحابه، افزون بر نصِّ قرآن، تفسیر مختصر آیات را که از پیامبرﷺ آموخته بودند نیز در بر داشت. شیوۀ رسول خداﷺ آن بود که قرآن کریم را ده آیه ده آیه، همراه با تفسیر آن به مسلمانان می‌آموخت. (حجتی، ۱۳۸۷، ص. ۲۴۸).صحابه به شیوه‌ای که از پیامبرﷺ فراگرفته بودند، قرآن را با تفسیرِ آن به دیگران تعلیم می‌دادند و به خواندن آیات همراه با واژه‌های تفسیری، قرائت می‌گفتند.

در زمان خلیفۀ دوم دستور داد، قرآن کریم از بیانِ پیامبرﷺ تجرید شود و به دستور خلیفۀ سوم عثمان، مصاحفی همسان و خالی از تفسیر نگاشته و سایر مصاحف سوزانده شد، به تدریج تعلیم قرآن به تعلیمِ قرائتِ نصِّ آن، منحصر گردید و از آن زمان به بعد، اندک اندک واژۀ قرائت صرفاً به معنای قرائت نصِّ قرآن بکار رفت و به‌تدریج اصطلاحِ قبلی فراموش شد؛ (بدرالدین زرکشی: ۱۴۰۵ق، ج۱، ص۳۱۸).

ابن جزری، در تعریف قرائت گفته است: «قرائت‌ها عبارت از علم به کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت، اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب

است»؛ یعنی این اختلاف را به کسی که آن را نقل و بازگو کرده است، نسبت می‌دهند.(ابن جریر طبری: ۱۴۱۲ق، ج۱، ص۲۷). دمیاطی بنّاء، قرائت را به این صورت تعریف کرده است: «قرائت، علمی است که از رهگذر آن اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلین کتاب خدا، در رابطه با حذف و اثبات و متحرک خواندن و ساکن کردن و فصل و وصل حروف و کلمات و امثال آن‌ها از قبیل کیفیت تلفظ و ابدال و همانند آن‌ها از طریق سماع و شنیدن، قابل شناسایی است. (دمیاطی: ۱۴۰۹ق، ص.۶).

عبد الهادی فضلی در معنای اصطلاحی قراءات می‌نویسد: قرائت عبارت است از تلفظ قرآن کریم به همان صورت و کیفیتی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تلفظ می‌کردند. و یا عبارت از خواندن و تلفظ قرآن کریم به همان صورت و کیفیتی است که در حضور رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خوانده شده و آن حضرت، آن تلفظ و خواندن را تأیید کرده‌اند. خواندن قرآن کریم بر اساس لفظی که نقل و روایت شده است؛ فرقی نمی‌کند که تلفظ خود آن حضرت باشد و یا تلفظ و خواندن دیگران که مورد تأیید ایشان قرار گرفته است؛ اعم از آن‌که یک یا چند نفر باشند. (فضلی: ۱۳۸۴، ص. ۴۸)

واژه قرائت در عهد صحابه

واژۀ «قرائت» در عصر صحابه به معنای قرائتِ نص قرآن همراه با تفسیرِ مختصر آن به کار می‌رفت؛ زیرا مصاحفِ صحابه، افزون بر نصِّ قرآن، تفسیر مختصر آیات را که از پیامبرﷺ آموخته بودند نیز در بر داشت. شیوۀ رسول خداﷺ آن بود که قرآن کریم را ده آیه ده آیه، همراه با تفسیر آن به مسلمانان می‌آموخت. (ابن جریر طبری: ج۱، ص۲۷). صحابه به شیوه‌ای که از پیامبرﷺ فراگرفته بودند، قرآن را با تفسیرِ آن به دیگران تعلیم می‌دادند و به خواندن آیات همراه با واژه‌های تفسیری، قرائت می‌گفتند. چنانکه از ابن مسعود روایت شده: «عن زرّ عن عبد الله قال: کنا نقرأ علی عهد رسول اللهﷺ: یا أیها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک (أن علیا مولی المؤمنین) وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس»

(مائده/۶۷)؛ (حاکم حسکانی، ج. ۱، ص. ۲۵۷). عبارت «أن علیا مولی المؤمنین» تفسیر است و جزءِ آیه، نمی‌باشد. همچنین در روایات، مانند عبارت ذیل را می‌بینیم: «قرأ ابیّ ابن کعب: «فما استمتعتم به منهن (الی اجل مسمی) فآتوهن اجورهن» (نساء/۲۴)، (ابن‌جریر طبری، ج. ۵، ص. ۱۸-۱۹). باید توجه داشته باشیم که عبارتِ «الی اجل مسمی» در نقلِ یاد شده، تفسیر آیه است؛ ولی بسیاری از شخصیت‌های علمی که به این نکته واقف نبوده‌اند، این نوع عبارات را به معنای قرا ئت نصِ قرآن تلقی کرده و در نتیجه دچار خطاهای دیگری شده‌اند. چگونه می‌توان ادعا کرد که ابیّ بن کعب عبارتِ «الی اجل مسمی» و مانند آن را جزءِ نص قرآن می‌دانسته و درعین حال به هنگام یکسان سازیِ مصاحف با حذف آنها مخالفت نکرده، در حالی که وی اجازه نداد حتی یک «و» از قرآن حذف شود. از عثمان نقل شده که به هنگام تدوینِ مصاحف، برخی خواستند «و» را از «والذین یکنزون الذهب والفضه...»(توبه/ ۳۴).حذف کنند، ولی ابیّ ابن کعب با آنان سخت مخالفت کرد و گفت: باید «و» نوشته شود در غیر این صورت شمشیر خواهم کشید. (سیوطی: ج۴، ص۱۷۹).

پس از آنکه خلیفهٔ دوم عمر دستور داد، قرآن کریم از بیانِ پیامبرﷺ تجرید شود و به دستور خلیفهٔ سوم عثمان، مصاحفی همسان و خالی از تفسیر نگاشته و سایر مصاحف سوزانده شد، به تدریج تعلیم قرآن به تعلیمِ قرائتِ نصِّ آن، منحصر گردید و از آن زمان به بعد، اندک اندک واژهٔ قرائت صرفاً به معنای قرائت نصِّ قرآن بکار رفت و به‌تدریج اصطلاحِ قبلی فراموش شد؛(عسکری، ۱۴۱۵ق، ج۱، ص۲۸۶-۲۹۸). این در حالی بود که در برخی از روایات -که گفتار صحابه را در بارهٔ قرآن گزارش می‌کرد- واژهٔ قرائت به همان معنای سابق بکار رفته بود و تغییر یافتنِ اصطلاح سابق، سبب بد فهمی

رسم الخط مصحف عثمانی

رسم الخط مصحف های عثمانی از نظر ترتیب سوره ها، نزدیک به مصحف هایی است که صحابه نوشته بودند و بر همان شیوه، سوره های بزرگ مقدم بر سوره های کوچک ترتیب یافت حروف مصحف های عثمانی خالی از نقطه و علایمی بوده است که اعراب کلمات را نشان می دهد. این مصحف ها به احزاب و اعشار و

اخماس، تقسیم بندی نشده بود و مملو از غلطهای املایی و تناقض هایی در رسم الخط بوده است. که علت آن، ابتدایی بودن خطی است که صحابه در آن زمان می شناخته اند. ترتیب مصحف عثمانی، همان ترتیبی است که درمصحف کنونی وجود دارد

تدوین مصحف عثمانی

علت گردآوری این مصحف، وجود نسخه‌های متفاوت از قرآن میان مسلمانان و اختلافات میان آنان بوده است. پس از تهیه مصحف عثمانی، به دستور عثمان دیگر مصحف‌ها را نابود کردند. طبق دیدگاه مشهور، گردآورندگان مصحف عثمانی چهار نفر به نام‌های زید بن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعید بن عاص و عبدالرحمان بن حارث بودند.

مؤرخان در شماره مصحف های تهیه شده هماهنگ که به اطراف بلاد اسلامی فرستاده شده است، اختلاف دارند. ابن ابی داود تعداد آنها را شش نسخه می داند، یعقوبی دو نسخه دیگر را بر این تعداد اضافه کرده که به مصر و الجزیره فرستاده شده است مصحفی که به هر منطقه ای فرستاده شده بود، در مرکز منطقه حفظ می شد و از روی آن، نسخه های دیگری استنساخ می شد تا در دسترس مردم قرار گیرد. و تنها قرائت این مصحف ها رسمیت داشت و هر نسخه و یا قرائت که با این مصحف های هماهنگ، مخالف بود، غیر رسمی و ممنوع شناخته می شد و استفاده از آنها موجب مجازات بود.

وحدت یا تعدد قرائتِ صحیح قرآن ودلائل آن

یکی از مباحث بسیار مهم و مبنایی در موضوع قرائت، این است که آیا قرآن کریم داری قرائت واحدی است،، یا آنکه دارای قرائت‌های متعددی است و به وجوه لفظی مختلفی بر پیامبرﷺ نازل شده است؟ اگر قرآن کریم با یک قرائت نازل شده باشد، طبعاً همان یک قرائت، قرآن به شمار می‌رود و سایر قرائت‌ها ارزش و اعتباری نخواهد داشت و نمی‌توانیم در استنباط احکام و برداشتِ نکات تفسیری، به آنها استناد کنیم.پرسشِ جدّیِ دیگری که در اینجا مطرح می‌باشد، این است که اگر ثابت شود، قرآن کریم قرائت واحدی دارد، باید مشخص کرد که آن قرائت کدام قرائت است؟ و راه شناخت آن از بین قرائت‌های گوناگون چیست؟ جمعی از محققانِ امامیه معتقدند، قرائت صحیح و معتبر یکی بیش نیست و آن قرائتِ جمهور مسلمین

می‌باشد که به تواتر از پیامبرﷺ رسیده و در مصاحف مرسوم و رایج، ثبت شده است. این قرائت در بستری جدا از قرائت‌های اجتهادی قراء، در بین عامه مسلمین جریان داشته و در طی قرنها پیوسته از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. قرائن و شواهد عقلی و نقلی فراوانی این دیدگاه را تأیید می‌کند.

جمعی از محققانِ امامیه معتقدند، قرائت صحیح و معتبر یکی بیش نیست و آن قرائتِ جمهور مسلمین می‌باشد که به تواتر از پیامبرﷺ رسیده و در مصاحف مرسوم و رایج، ثبت شده است. این قرائت در بستری جدا از قرائت‌های اجتهادی قراء، در بین عامه مسلمین جریان داشته و در طی قرنها پیوسته از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. قرائن و شواهد عقلی و نقلی فراوانی این دیدگاه را تأیید می‌کند. (فضلی: صص۳۶۶-۳۹۹).

شواهد عقلی:

اثبات نشدن تعدد قرائات

وجود یک قرائت ویک قالب لفظیِ مشخص برای قرآن، مانند هر سخن دیگر ثابت و معلوم است؛ زیرا تحققِ سخن، بدون آن امکان پذیر نمی‌باشد؛ ولی وجود بیش از یک قرائت و قالب لفظی برای قرآن معلوم نیست و اثبات آن نیازمند دلیلِ علم آور است؛ لکن در بررسیِ دلائلِ نظریهٔ تعددِ قرائات، چنین دلیلی ارئه نشده، بلکه دلائلی بر ردّ آن وجود دارد. (ناصحیان، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت،ص۲۰۰). بنابراین آنچه اکنون ثابت است وحدت قرائت است و بر این مبنا قرآن کریم فقط دارای قرائتِ واحدی است. (همان،ص ۲۲۱). اما اینکه آن قرائت، کدام قرائت می‌باشد؟ پرسشی است که در بخش پایانی این مبحث بدان خواهیم پرداخت.

پیراستگی قرآن از تضاد و اختلاف

پذیرشِ قرائاتِ متعدد به عنوان قرآن، مستلزم وجود تضاد و اختلاف در قرآن کریم و حکم خداست که خداوند آن را نفی کرده است؛ زیرا در برخی از مواردِ اختلافِ قرائاتِ مشهور، احکام متفاوت و گاه متضاد از آیات برداشت می‌شود که نمی‌تواند تماماً صحیح باشد و حکم خداوند به شمار آید. مثلا در آیه شریفهٔ:

(بقره/۲۲۲). حمزه، کسائی، خلف بن هشام و ابی‌بکر بن عیاش "یطّهرن" با تشدید "طاء" خوانده‌اند و سایر قراء با تخفیف "طاء" خوانده‌اند. (ابن جزری: النشر فی القراءات العشر، ج۲، ص۲۲۷).

حکمی که طبق هر یک از دو قرائت یاد شده از آیه مزبور استفاده می‌شود، مخالف با حکمی است که بر اساس قرائت دیگر از آن استفاده می‌شود؛ زیرا طبق قرائت تخفیف، حکمِ مستفاد از آیه، جواز آمیزش با حائض پس از پایان حیض و پیش از غسل می‌باشد و طبق قرائت تشدید، از ظاهر آیه حرمتِ آمیزش پیش از غسل استفاده می‌شود. (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص۲۲۱).در آیهٔ «واذ جعلنا البیت مثابهً للناس و أمناً و اتّخذوا من مقام إبراهیم مصلّی...»(بقره/۱۲۵). «اتخذوا» را بیشتر قرّاء به صیغهٔ امر خوانده‌اند ولی ابن عامر و نافع به صیغهٔ ماضی خوانده‌اند. تردیدی نیست که طبقِ قرائت نخست، کلمهٔ مورد اختلاف، امر است و ظهور در وجوب دارد؛ ولی طبق قرائتِ دوم، جملهٔ خبریه است و صرفاً از گذشته حکایت می‌کند و ساختار آن به گونه‌ای نیست که قابل حمل بر انشاء و امر باشد. علمای امامیه طبق احادیث، با انتخاب قرائتِ امر که در مصاحف مرسوم ثبت شده، از آن وجوبِ نمازِ طواف نزد مقام ابراهیم را استنباط کرده‌اند. (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۴۵۲). و نیز در آیهٔ «انَّ ابنک سَرَقَ وما شهدنا الا بما علمنا» (یوسف/۸۱) قرائت مشهور«سَرَقَ» است ولی از کسایی «سُرِّقَ» (یعنی متهم به سرقت شده) روایت شده است. روشن استکه دو معنای یاد شده با یکدیگر مخالفت دارد. (غرناطیِ کلبی، التسهیل لعلوم التنزیل، ج. ۲، ص. ۱۲۵).

با اینکه به هیچ وجه در کلام خدا اختلاف راه ندارد، چگونه می‌توان این نوع قرائات را که با یکدیگر قابل جمع نیستند، قرآن به شمار آورد یا صحیح و معتبر دانست؟

«و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً». (نساء/ ۸۲)، (ناصحیان، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت، ص.۲۲۱-۲۲۳)

شواهد نقلی

احادیث:

۱. عن فضیل بن یسار قال: قلت لابی‌عبداللّه‌علیه‌السلام: إنّ الناس یقولون: إنّ القرآن نزل علی سبعهٔ أحرف، فقال: "کذبوا أعداء اللّه و لکنّه نزل علی حرف واحد من عند الواحد". (کلینی، الکافی، ج۲، ص۶۳۰).

فضیل بن یسار گوید به امام صادق‌علیه‌السلام عرض کردم: مردم می‌گویند: قرآن به هفت حرف نازل گردیده است؟ امام فرمود: دشمنان خدا دروغ گفته‌اند، قرآن به حرف واحد و از نزد خدای واحد نازل گردیده است.

۲. عن زرارهٔ عن أبی‌جعفرعلیه‌السلام قال: إنّ القرآن واحد نزل من عند واحد و لکنّ الاختلاف یجیء من قِبَلِ الرواهٔ. (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج۲، ص۶۳۰).

زراره از امام باقرعلیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: قرآن یکی است و از نزد خدای یکتا نازل گردیده است و منشأ اختلاف (در قرائت) راویان می‌باشند. این دو حدیث به وضوح بر وحدت قرائتِ صحیح دلالت دارند؛ زیرا در حدیثِ نخست که از حیث سند نیز معتبر است، نزول قرآن به هفت حرف، به شدت انکار شده است. با توجه به اینکه "سبعهٔ أحرف" به معنای بطون و لایه‌های معنایی قرآن و نیز اقسام گوناگون معارف آن طبق احادیث اهل‌بیت صحیح و پذیرفته است، بنابراین انکار امام نسبت به نزول قرآن بر هفت حرف، باید ناظر به قرائاتِ مختلف از نص قرآن باشد. در این صورت "نزول قرآن بر حرف واحد" در کلام امام‌علیه‌السلام به معنای یکی بودن قرائت صحیح خواهد بود. در حدیث دوم نیز امام باقرعلیه‌السلام به صراحت قرآن را یکی می‌داند و منشأ اختلاف قرائات را اختلافِ راویانِ قرائت می‌داند، نه تعدد قرائتِ واقعیِ قرآن.

۳. عن أبی‌عبداللّه‌علیه‌السلام، قال رسول اللّه‌صلی‌الله‌علیه‌وآله: لو أنّ الناس قرؤا القرآن کما أنزل ما اختلف اثنان. (مجلسی، بحارالانوار، ج۸۹، ص۴۸). رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: اگر همهٔ مردم قرآن را آن گونه که نازل شده قرائت می‌نمودند، دو نفر با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند.ظاهر این حدیثِ نبوی گویای آنست که قرائتِ صحیحی که قرآن طبق

آن نازل شده یکی بیش نیست، لذا منشأ اختلاف قرائت بین قراء آن است که قراء، به قرائت واحدی که قرآن طبق آن نازل گردیده قرائت نمی‌کنند.

۴. عن أبی‌عبداللّه‌علیه‌السلام: "إن کان ابن مسعود لایقرأ علی قراءتنا فهو ضالّ". فقال ربیعهٔ ضالّ؟ فقال‌علیه‌السلام: "نعم ضالّ". ثمّ قال أبوعبداللّه‌علیه‌السلام: "أما نحن فنقرأ علی قراءهٔ أبیّ."

امام صادق‌علیه‌السلام فرمود: اگر ابن مسعود قرآن را طبق قرائت ما نمی‌خوانده گمراه بوده است. ربیعه گفت: گمراه؟ امام فرمود: آری گمراه. پس از آن امام اضافه کرد: ما قرآن را طبق قرائت ابیّ می‌خوانیم. علامه استاد معرفت رحمه‌اللّه دربارهٔ این حدیث می‌نویسد: «شاید در آن مجلس درباره قرائت‌های غیر متعارفِ ابن مسعود بحث می‌شده و امام به آنان تذکر داده که این قرائت‌ها جایز نیست و قرائت صحیح، همان قرائت عامهٔ مسلمانان است و کسی که از این روشِ متداولِ عامه، تخطّی کند گمراه است، زیرا چنین کسی از روش مسلمانان که نسلاً بعد نسل از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فراگرفته‌اند، عدول و تخطّی کرده است. و اگر ابن مسعود قرآن را بر خلاف روش مسلمانان قرائت می‌کرده است (به فرض صحت نسبت) گمراه است؛ زیرا طریق میانه، طریقی است که جامعه مسلمان در آن مشی می‌کنند و کسی که از این راه میانه گام بیرون نهد، هرکس باشد گمراه خواهد بود. اما این گفتهٔ امام که ما قرآن را طبق قرائت ابیّ (برخی در لفظ «ابی» احتمال داده‌اند که بدون تشدید (به معنای پدرم) باشد؛ ولی این احتمال بعید است؛ زیرا قرائت یک امام با قرائت سایر ائمه علیهم‌السلام تفاوتی ندارد) می‌خوانیم، اشاره است به دوران یکسان شدن مصحف‌ها در عهد عثمان که اُبیّ بن کعب املاء می‌کرد و گروهی آن را بر طبق املاء او می‌نوشتند و هرگاه در مورد نصِ اصلی، اختلاف داشتند برای رفع اختلاف به وی مراجعه می‌کردند و مصحف موجود که مورد قبول عامه مسلمانان است، بر طبق املاءِ اُبیّ بن کعب است و قرائتِ منطبق بر قرائت اُبیّ بن کعب، کنایه از التزام به چیزی است که هم‌اکنون عامه مسلمانان برآنند» (معرفت، علوم قرآنی، ص۲۲۲).

۵. عن عاصم عن زر عن عبداللّه، قال: اختصم رجلان فی سورة فقال: هذا أقرأنی رسول اللّهﷺ و قال هذا أقرأنی رسول اللّه فأتیا النبیّ ﷺ فأخبِر بذلک فتغیر وجهه فقال: "اقرؤا کما عُلّمتم فذکر فیه کلاماً" ثمّ قال: "فإنّما هلک من کان قبلکم باختلافهم علی أنبیائهم." (احمد بن علی بن مثنی التمیمی، مسند ابویعلی الموصلی، ج۸، تحقیق: حسین سلیم اسد، ص۴۷۰).

عاصم از زر بن حبیش و او از عبداللّه بن مسعود روایت می‌کند که گفت: دو نفر در قرائت سوره‌ای با یکدیگر اختلاف نمودند و هریک مدعی بود که قرائتش را از رسول خداﷺ آموخته است، پس نزد پیامبرﷺ آمدند. وقتی آن حضرت از اختلاف آن دو آگاه شد چهره‌اش متغیر گردید و فرمود: چنانکه آموخته‌اید بخوانید؛.. سپس فرمود: همانا کسانی که پیش از شما بودند به سبب اختلاف در مورد پیامبرانشان هلاک شدند. از این روایت استفاده می‌شود که رسول خداﷺ اهتمام فراوانی به وحدت مسلمین داشته و اختلاف آنان برایش بسیار ناگوار بوده است. با توجه به اینکه قرائات مختلف خود عامل اختلاف و پراکندگی می‌باشد چگونه ممکن است رسول خداﷺ آن را تأیید و ترویج کند؟ جملهٔ "اقرؤا کما عُلّمتم" پس از ابراز ناراحتی از اختلاف، حاکی از آن است که پیامبر قرائت‌های گوناگون را تأیید ننموده است؛ بلکه همه را به قرائت واحدی که با نظارت حضرتش به مردم تعلیم داده می‌شد واداشته است. (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج. ۱، ص.۱۷۷).

روایات تابعان

۱.ابوعبدالرحمن سلمی گوید: "قرائت ابی بکر، عمر، عثمان، زید بن ثابت، مهاجران و انصار یکی بود؛ همگی بر قرائت عامه مسلمین بودند و آن قرائتی است که رسول خداﷺ در سال وفاتش دو بار بر جبرئیل خواند" (ابوشامه مقدسی، المرشد الوجیز، ص. ۶۸).

۲. محمد بن سیرین از عبیدهٔ سلمانی (م ۷۳ق) روایت می‌کند که گفت: "قرائتی که در سال وفات پیامبر ﷺ بر آن حضرت عرضه شد، قرائتی است که اکنون مردم بر آنند".(سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج. ۱، ص.۱۷۷).

۳. انس گوید: "با رسول خداﷺ و ابوبکر و عمر و عثمان و علی نماز خواندم، آنان همگی (مالک یوم الدین) قرائت می‌کردند". (متقی هندی، کنز العمال، ج۲، ص۶۰۹، حدیث ۴۸۷۶).

۴. زهری گوید: "رسول خداﷺ و ابوبکر و عمر و عثمان (مالک یوم الدین) قرائت می‌کردند. نخستین کسی که "ملک" قرائت کرد، مروان بود". (سیوطی، الدرالمنثور، ج۱، ص۳۶). هنگامی که به کهن‌ترین تفسیرِ موجود، «تفسیر مقاتل بن سلیمان م۱۵۰ه» مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم موارد بسیار اندکی از اختلاف قرائت (حدود ده مورد در کل قرآن) در این کتاب مطرح شده است و نیز در کتاب مشتبهات القرآن از علی بن حمزۀ کسائی (م ۱۸۹ق) با اینکه آیات فراوانی آورده شده؛ ولی هیچ سخنی از اختلاف قرائت مطرح نیست. به نظر می‌رسد، در بین مسلمانان قرائتی که مقبول عمومِ مردم بوده وجود داشته است و قرائت‌های دیگر که انتخاب و رأیِ قرّا و شخصیت‌ها بوده، در کنار آن مطرح می‌شده است.

سیرۀ قرّاء سبعه و عشره

گرچه قرّاءِ مشهور (سبعه و عشره)، در قرائتِ شماری از کلماتِ قرآن، با یکدیگر اختلاف داشتند؛ ولی آنان در یک نقطه مشترک بودند وآن این بود که هر یک از آنان یک قرائت را که به نظر خودش بر سایر قرائات ترجیح داشت انتخاب می‌کرد و آن قرائت به او نسبت داده می‌شد. (ناصحیان، علوم قرآنی در مکتب اهل بیت، ص.۲۲۷). این شیوه حاکی از آنست که آنان سایر قرائات را قرائت رسولِ خدا نمی‌دانستند. اگر آنها به حکم روایاتِ «سبعۀ احرف» قرائت‌های مختلف را (که به قولِ جزری و امثال او دارای ملاک‌های قرائتِ صحیح می‌باشد) یکی از وجوه قرآن می‌دانستند که از نزد خدا نازل شده، در این صورت اختیار قرائت و ترجیح برخی از قرائات بر برخی دیگر نادرست بود؛ زیرا معنی ندارد که یک وجه از کلام خدا را بپذیریم و یک وجه آن را رد کنیم. اگر روایات «سبعۀ أحرف» چنان معنایی می‌داشت، طبعاً آنها که در قرن اول و دوم می‌زیستند و به عصر پیامبرﷺ نزدیکتر بودند، بر اساس آن عمل می‌کردند و به انتخاب و ترجیح یک قرائت بر دیگری نمی‌پرداختند و برای برتری قرائت خود بر دیگر قرائات به استدلال‌های ادبی و مانند

آن تمسک نمی‌کردند؛ زیرا با فرض اینکه دو یا سه قرائت در یک آیه از سوی خدا نازل شده باشد، جایی برای ترجیح یک قرائت بر دیگری وجود ندارد. بنابراین سیرهٔ قرّاءِ یاد شده حاکی از وحدتِ قرائتِ صحیحِ قرآن است

معرفی روش ضبط اختلاف قرائت در مصحف خطی

روش ضبط قرائت در این نسخه خطی آنچه که مطابق قرائت عاصم به روایت حفص وقراءکه با حفص مطابق هستند بصورت علامت مساوی نشان گذاری شده است و جایکه هردو احتمال ذکر شده بود هردو احتمال نوشته شده وموردیکه مخالف حفص از عاصم بوده نوشته شده که مخالف حفص است.

شاخص های قرائت متواتر

مقصود از تواترِ نقل این قرائات مبدأ تواتر باید مقام معصوم باشد تا منقول حجیت پیدا کند. و اگر مقصود تواتر نقل از پیامبرﷺ تا به این قراء باشد، این امر ثابت نیست، زیرا بیشتر قرّاء حتی سند قرائت ندارند تا چه رسد به تواتر".باید توجه داشت که خبر متواتر به خبری گفته می‌شود که زنجیرهٔ راویانِ آن در هر طبقه به اندازه‌ای برسد که عادتاً سازش آنها بر دروغ غیرممکن باشد و در نتیجه علم به صدق آن خبر حاصل شود. با نظر به معنای متواتر اگر بپذیریم که سند قرائهای هفتگانه تا خود قرّاء سبعه متواتر است، ولی از قرّاء تا پیامبرﷺ در مورد برخی از آنان حتی سلسله‌سند آحاد بطور متصل ثابت نیست تا چه رسد به سند متواتر؛ به عنوان مثال ابن عامر او بر مغیرهٔ بن أبی‌شهاب مخزومی قرائت کرده و او بر عثمان بن عفان و او بر پیامبرﷺ قرائت نموده است. بر این اساس بر عدم تواتر قرائات سبع و امثال آن است. (معرفت، علوم قرآنی، ص۱۹۲).

نمونه‌ای از اختلاف قرائت در نسخه خطی قرآن، شماره ۲۱۰۰، قرن ششم، در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد مقدس.

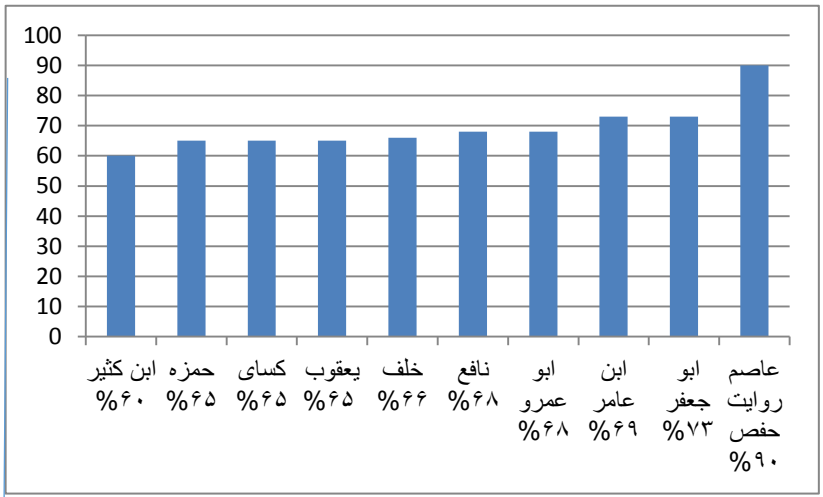
کلمات	اختلاف قاریان	قرآن ق: ۶ نسخه ۲۱۰۰	ملاحظات نسخه:
مالک سوره: فاتحه آیه: ۴	قرأ عاصم،الکسائ،یعقوب، خلف مالک وقرألباقون ملک	= = ش-ع-۲ خط-۴	موافقون: حفص از عاصم و کسائی و یعقوب و خلف. مخالفون: حمزه و ابن کثیر و ابو عمرو و ابن عامر و ابو جعفر و نافع

يَخْدَعُون سوره: بقره آیه:۹	قرأ نافع وابن كثير وأبو عمرو بضم الياء وألف بعد الخاء وكسر الدال وقرأ الباقون بفتح الياء وسكون الخاء	= = ش-ع-۳ خط-۶	موافقون: موافقون: حفص از عاصم و ابو جعفر و ابن عامر و نافع و یعقوب و خلف و حمزه و کسائی. مخالفون: نافع و ابن کثیر و ابو عمرو
يَكْذِبُونَ سوره: بقره آیه: ۱۰	قرأ الكوفيون بفتح الياء وتخفيف الذال وقرأ الباقون بالضم والتشديد	= = ش-ع-۳ خط-۸	موافقون: حفص از عاصم و حمزه و کسائی مخالفون: ابن کثیر و ابو عمرو و یعقوب و خلف و ابن عامر و ابو جعفر و نافع
تُرجَعُون سوره: بقره آیه: ۲۸	قرأ يعقوب فتح حرف مضارعة كسر الجيم قرأباقون بضم حرف المضارعة وفتح الجيم	= = ش-ع-۴ خط-۱۷	موافقون: ابن عامر و ابو عمرو و نافع و ابن کثیر و حفص از عاصم و و ابو جعفر و خلف و کسائی و حمزه. مخالفون: یعقوب
أزَلَّهُما سوره: بقره آیه: ۳۶	قرأ حمزة (فأزالهما) بألف بعد الزاى وتخفيف اللام وقرأ الباقون بالتشديد	= = ش-ع-۵ خط-۸	موافقون: حفص از عاصم و ابو جعفر و ابن عامر و نافع و یعقوب و ابن کثیر و ابو عمرو و کسائی و خلف. مخالفون: حمزه
ولا يُقبَلُ سوره: بقره آیه: ۴۸	فقر ابن كثير والبصريان (تقبل) بالتأنيث. وقرأ الباقون بالتذكير	= = ش-ع-۶ خط-۲	موافقون: حفص از عاصم و حمزه و کسائی و نافع و ابو جعفر و خلف و ابن عامر مخالفون: ابن کثیر و ابو عمرو و یعقوب
وَاعَدنَاموسى سوره: بقره آیه: ۵۱	قرأ أبو جعفر والبصريان بقصر الألف من الوعد وقرأ الباقون بالمد من الوعدة	= = ش-ع-۶ خط-۷	موافقون: موافقون: حفص از عاصم و ابن عامر و نافع و ابن کثیر و و خلف و حمزه و کسائی مخالفون: ابو جعفر و ابو عمرو و یعقوب
نَغفِر سوره: بقره آیه: ۵۸	قرأ ابن عامر بالتأنيث وقرأ المدنيان بالتذكير هنا وقرأ الباقون بالنون وفتحها وكسر الفاء	= = ش-ع-۶ خط-۲۲	موافقون: حفص از عاصم و ابو جعفر و و نافع و یعقوب و ابن کثیر و ابو عمرو و خلف و حمزه و کسائی. مخالفون: ابن عامر
هُزُوًا	حفص إبدال الهمزة فيها واواً.	هر دو مورد	ترجیح بالحفص

سوره: بقره آیه: ۶۷	وقرأ الباقون فیها الهمز	ش-ع-۷ خط-۲۴	ابدال الهمزه
حُسنًا سوره: بقره آیه: ۸۳	فقرأ حمزة والکسائی ویعقوب وخلف بفتح الحاء والسین. وقرأ الباقون بضم الحاء وإسکان السین.	= = ش-ع-۹ خط- ۱۲	موافقون: حفص از عاصم و ابو جعفر و ابن عامر و نافع و ابن کثیر و ابو عمرو مخالفون: حمزه و کسائی و خلف و یعقوب
تَظَاهَرُونَ سوره: بقره آیه: ۸۵	فقرأ الکوفیون بالتخفیف وقرأ الباقون بالتشدید.	= = ش-ع-۹ خط-۱۷	موافقون: حفص از عاصم و حمزه و کسائی مخالفون: ابن کثیر و ابو عمرو و یعقوب و خلف و ابن عامر و ابو جعفر و نافع
أُسَارَى سوره: بقره آیه: ۸۵	قرأ حمزة بفتح الهمزة وسکون السین قرأ باقون بضم الهمزة وألف بعد السین.	= = ش-ع-۹ خط-۱۸	موافقون: حفص از عاصم و ابو جعفر و ابن عامر و نافع و یعقوب و ابن کثیر و ابو عمرو و کسائی و خلف. مخالفون: حمزه

گزارش آمار موافقت قرائات مختلف قراء دهگانه نسبت به پنج نسخه خطی قرآن، قرن ششم

کتابخانه آستان قدس رضوی



دست‌آوردها ونتایج کلی

۱. در بخش نظری بیان شد که واژۀ «قرائت» در عصر صحابه به معنای قرائتِ نص قرآن همراه با تفسیرِ مختصر آن به کار می‌رفت؛ چنانکه از ابن مسعود روایت شده: «عن زرّ عن عبد الله قال: کنا نقرأ علی عهد رسول الله ﷺ: یا أیها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک (أن علیا مولی المؤمنین) وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس عبارت «أن علیا مولی المؤمنین» تفسیر است و جزءِ آیه، نمی‌باشد

۲. ترتیب مصحف عثمانی، همان ترتیبی است که در مصحفهای کنونی وجود دارد و با ترتیبی که در مصحف های صحابه در زمان نگارش به کار برده شده بود و به خصوص با مصحف ابی بن کعب، تطبیق می کرد.

۳. جمعی از محققانِ امامیه معتقدند، قرائت صحیح و معتبر یکی بیش نیست و آن قرائتِ جمهور مسلمین می‌باشد که به تواتر از پیامبر ﷺ رسیده و در مصاحف مرسوم و رایج، ثبت شده است. این قرائت در بستری جدا از قرائت‌های اجتهادی قراء، در بین عامه مسلمین جریان داشته و در طی قرنها پیوسته از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. قرائن و شواهد عقلی و نقلی فراوانی این دیدگاه را تأیید می‌کند.

۴. اگر قران با یک قرائت نازل شده باشد، طبعاً همان یک قرائت، قرآن به شمار می رود و سایر قرائت ها ارزش و اعتباری نخواهد داشت و نمی توانیم در استنباط احکام و برداشتِ نکات تفسیری، به آنها استناد کنیم

۵. شواهد عقلی و نقلی بر قرائت واحد وجود دارد.

از جمله شواهد عقلی:

الف.) اثبات نشدن تعدد قرائات:

ب.) پیراستگی قرآن از تضاد و اختلاف.

۶. شواهد نقلی نیزبه سه قسمت تقسیم می شوند:

الف.) احادیث

ب.) روایات تابعان

ج.) سیرۀ قرّاء سبعه و عشره

۷. طی بررسی ۱۰۰ کلمه اختلافی در پنج نسخه خطی قرآن؛ متعلق به قرن ششم از نسخه های موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی ازمجموع ۵۰۰ کلمه، مورد بررسی شده کمترین مخالفت را با قرائت عاصم به روایت حفص داشت که ۵۰ مورد بود. ۱۳۱ مخالفت با ابوعمرو بود.۱۳۳مخالفت با ابن عامر، ۱۳۵ مخالفت با ابو جعفر،۱۴۶ مخالفت با خلف، ۱۴۸ مخالفت با حمزه،۱۴۸ مخالفت با نافع، ۱۶۱ مخالفت با کسایی، ۱۶۲ مخالفت با یعقوب، ۱۶۶ مخالفت با ابن کثیر یاقت شد. بنابر این، قرائت عاصم به روایت حفص از قراء دهگانه بیشترین انطباق را با این پنج نسخه داشتند که در کل ۵۱ مورد مخالفت داشت.

وکمترین انطباق با قرائت ابن کثیر می باشد که ۱۶۶ مورد مخالفت در این پنج نسخه ثبت شده است.

منابع

- قرآن، نسخه خطی شماره: ۳۷۸، ۱۰۴۶، ۱۸۲۶، ۱۸۵۶، ۲۱۰۰، قرن ۶، کتاب خانه مرکزی آستان قدس رضوی
- ابن الجزری، ابو الخیر محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، بیروت: دار الکتب العلمیۀ
- ابن فارس، احمد بن فارس معجم مقاییس اللغۀ ناشر: مکتب الاعلام الاسلامی محل نشر: قم

– ابن جزری، محمد بن محمدبن محمد بن جزری، تقریب النشر فی القراءات العشر(۸۳۳ ق)
– التمیمی، احمد بن علی بن مثنی (م ۳۰۷ق)، مسند ابوعلی الموصلی، ج ۸، تحقیق: حسین سلیم اسد، دار المأمون للتراث
– ابوشامه مقدسی، المرشد الوجیز، بی تا، بی جا
– احمد سعد محمد، التوجیه البلاغی للقراءات، چاپ اوّل، قاهره، مکتبهٔ الآداب، ۱۴۱۸ ق.
– ابن جزری، محمد بن محمد، منجد المقرئین، قاهره، ۱۳۵۰، بی جا
– آبیاری، ابراهم، تاریخ القرآن، علوم القرآن الکریم، ناشر،دارالکتاب المصری سال نشر۱۴۱۱ق
– حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، تحقیق: شیخ محمد باقر بهبودی
– حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۲
– خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، موسسهٔ احیاء آثار الامام الخوئی، قم، بی چا، بی تا.
– دمیاطی، احمد بن محمد بن عبد الغنی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعهٔ عشر، بیروت: دار الکتب العلمیهٔ، بی چا، ۱۴۲۲ق
– ذهبی جمال حمدی و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق
– رفاعی عادل ابراهیم، تقریب النشر فی القراءات العشر،ناشر دارالکتب العلمیه مدینه منوره
– زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، محققان: یوسف عبدالرحمن مرعشلی
– زین‌الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، الرعایهٔ فی علم الدرایهٔ، چاپ دوم، قم، کتابخانه نجفی مرعشی، ۱۴۱۳ق
– سیوطی، جلال الدین، ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۰
– طبری، محمد بن جریر، تفسیر جامع البیان، قاهره: دارالحدیث، ۱۹۸۷ق
– عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم وروایات المدرستین، شرکهٔ التوحید للنشر، چاپ اول، ایران، ۱۴۱۵ ق

– غرناطی الکلبی، محمدبن‌احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۲، ص۱۲۵. چاپ بیروت
– فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امام أمیر المؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ق
– فضلی، عبدالهادی، تاریخ قراءات قرآن کریم بی تا بی چا
– کلینی شیخ ابوجعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی
– مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوارالجامعۀ لدرر أخبار الأئمۀ الأطهار، بیروت: دار إحیاء الترث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق
– محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۳۸۵–۴۶۰هجری انتشار داراحیاء تراث العربی
– مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن،، تهران، مؤسسه طبع و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد ۲۸. متقی هندی، کنز العمال، بی تا بی چا
– معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ترجمه: ابومحمد وکیلی، تحت عنوان: آموزش علوم قرآن، بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی، بی نا، ۱۳۷۴
– ناصحیان، علی اصغر، علوم القرآنی درمکتب اهل بیت،ناشر انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ چهارم ۱۳۹۶